

اعصاب شد. در سال ۱۸۴۳، در انتخابات کنگره شرکت کرد که باز هم رأی نیاورد. دوباره در سال ۱۸۴۸، شانس خود را امتحان کرد که باز هم شکست خورد. در سال ۱۸۵۵، در انتخابات «سنا» شرکت کرد و رأی نیاورد. سال بعد دوباره در انتخابات «سنا» شرکت کرد که باز برنده نشد. عاقبت در سال ۱۸۶۰، «آبراهام لینکلن» به عنوان شانزدهمین رئیس جمهور ایالات متحده، انتخاب شد.

«مارک ویکتور هانسون»، نویسنده‌ی کتاب «سوپ مرغ برای روح» داستان خود را به ۳۵ ناشر مختلف نشان داد تا این که سی و ششمین ناشر، کتاب او را برای چاپ پذیرفت. کتاب او، ۷۵ میلیون نسخه فروش کرد و پرفروش‌ترین کتاب داستانی تا آن زمان شد. فقط فکر کنید، ۳۵ نفر به او گفته بودند: «نه، ما کتاب تو را چاپ نمی‌کنیم.» چه اتفاقی می‌افتاد اگر «مارک» پس از این که کتابش را به نوزدهمین، بیست و پنجمین و یا سی و چهارمین فردی که نشان داد، از چاپ آن منصرف می‌شد؟ شور و اشتیاق تزلزل‌ناپذیر «مارک» در این پروژه، به او انرژی کافی و شهامت استقامت را هدیه کرد. در نتیجه، صدها داستان واقعی و مثبت در کتاب او، الهام‌بخش میلیون‌ها نفر گردید.

شور و اشتیاق، باور و اعتماد به نفس به محرک‌های نگرش مثبت هستند و باعث می‌شوند ما به دنبال اهداف مان برویم. تسلیم شدن هیچ‌گاه یک راه‌حل نیست.
مک اندرسون / رضا رنجبری - هدا هراتی



به انتخاب: زهرا مرزبان
کارشناس علوم تربیتی
مدرس آموزش خانواده

همگی ما با وجود داشتن هدف، شور و اشتیاق و عزم و اراده در زندگی، باز هم گاهی اوقات دچار گرفتاری و مصیبت می‌شویم و چگونگی برخورد ما با گرفتاری‌ها، تعیین‌کننده‌ی موفقیت‌ها و شکست‌های آتی‌مان است. در مسیر زندگی، دست‌اندازها، راه‌های فرعی و موانع بسیاری وجود دارد. گاهی شما شجاعت خود را از دست می‌دهید و شک و دودلی در قلب‌تان رخنه می‌کند و می‌خواهید از کار دست بکشید. در این حالت به تمام کمک‌هایی که به شما می‌شود، نیاز دارید تا تمامی لحظه‌های سخت و طاقت‌فرسا را پشت سر بگذارید. من هم به این مسائل واقف‌ام زیرا به‌عنوان یک کارآفرین که در رؤیاهایش زندگی می‌کند، در چنین شرایطی قرار گرفته‌ام. بزرگ‌ترین الهام‌بخش من در آن لحظات سخت، تنها به یاد آوردن کسانی بود که قبل از من، آن راه را پیموده بودند؛ افرادی که هنگام برخورد با موانع، محکم و استوار ایستادگی کردند. پشتکار باعث شد که «والث دینسی» با وجود ۵ بار ورشکستگی به دنبال رؤیاهایش برود.

«هلن کلر» با وجود این که دلایل بسیاری در جهان داشت که برای خود متأسف باشد، اما این کار را نکرد. پشتکار او با وجود بسیاری از مشکلات طاقت‌فرسا، هنوز الهام‌بخش میلیون‌ها نفر می‌باشد.

داستان زندگی «آبراهام لینکلن» در من انگیزه‌های درونی بسیار بزرگی ایجاد می‌کند. موانعی سخت و ویران‌گر، بر سر راه زندگی او وجود داشت. او در سال ۱۸۳۲، در تجارت شکست خورد. در سال ۱۸۳۲ در انتخابات مجلس قانون‌گذاری رأی نیاورد. در همان سال، تجارت دیگری را به راه انداخت که با شکست مواجه شد. نامزد او در سال ۱۸۳۵، فوت کرد. در سال ۱۸۳۶، دچار ناراحتی

ایمان خود را حفظ کنید